



۷	پیش‌گفتار
۱۳	مقدمه نسخه بیستمین سالگرد چاپ
۱۷	مقدمه: درون هر زن اسطوره‌هایی حضور دارد
۳۳	فصل یک: کهن‌الگوهای زنانه همچون انگاره‌های درونی
۵۱	فصل دو: فعال کردن اسطوره‌ها
۶۹	فصل سه: اسطوره‌های باکره
۸۷	فصل چهار: آرتمیس: اسطوره‌ی شکار و ماه ...
۱۳۱	فصل پنج: آتنا: اسطوره‌ی خرد که از محدودیت‌ها...
۱۷۹	فصل شش: هستیا: اسطوره‌ی خانه و کاشانه، معبد...
۲۱۹	فصل هفت: اسطوره‌های آسیب‌پذیر
۲۳۱	فصل هشت: هرا: اسطوره‌ی ازدواج، تعهد و همسر
۲۷۵	فصل نه: دیمیتر اسطوره‌ی غلات تغذیه‌کننده و مادر
۳۱۹	فصل ده: پرسفون: دوشیزه و ملکه جهان زیرین ...

۳۶۱	فصل یازده: اسطوره‌ی کیمیاگر
۳۷۳	فصل دوازده: آفرودیت: اسطوره‌ی عشق و زیبایی...
۴۱۳	فصل سیزده: کدام اسطوره سیب طلایی را می‌برد؟
۴۳۵	فصل چهارده: قهرمان درون هر زن
۴۶۳	تبارشناسی: کهن‌الگوهای یونان باستان
۴۷۵	یادداشت‌ها
۴۸۵	منابع و مآخذ



■ پیش گفتار نویسنده برای نسخه‌های فارسی کتاب

من در دوران کودکی تعداد زیادی افسانه خواندم و همان طور که در این فکر بودم که کتاب من به فارسی در حال ترجمه است به ذهنم رسید که کتاب‌هایی که خوانده‌ام ترجمه افسانه‌هایی از بسیاری کشورها و زبان‌ها بوده‌اند.

اگر چه پیش از صد ترجمه به زبان‌های مختلف از کتاب‌های متعدد من موجود است اکنون با ترجمه برخی از کتاب‌هایم به زبان «هزار و یکشب» باز به دوره کودکی‌ام برگشتم. از دوران کودکی تا امروز من در رشته پزشکی و با تخصص روانپزشکی از دانشگاه علوم پزشکی کالیفرنیا سانفرانسیسکو فارغ‌التحصیل شدم و به‌عنوان روان تحلیل‌گر یونگی در موسسه سی.جی.یونگ در سانفرانسیسکو آموزش دیده‌ام. موضوع داستان‌هایی که من در دوران نوجوانی می‌خواندم، عمیق و کهن‌الگویی بود و به همین دلیل در طول سالیان سال، دوباره و دوباره نقل شده‌اند. نمادها و استعاره‌های موجود در افسانه‌ها و اسطوره‌ها، همگی در ما زنده هستند زیرا

همه ما دارای یک ناخودآگاه جمعی مشترک هستیم که مانند یک الگوی غریزی به محرک‌ها پاسخ می‌دهد. زیست‌شناسان نظری این ناخودآگاه جمعی را میدان مورفیک نژاد بشر نامگذاری کرده‌اند که ما را تحت تأثیر قرار می‌دهد و ما نیز متقابلاً روی آن تأثیر می‌گذاریم. من در کتاب‌هایم شروع به شناخت و بررسی این الگوهای کهن‌الگویی کردم زیرا به‌عنوان یک تحلیلگر یونگی برایم قابل تأمل و تقدیر بودند. من همچنین می‌دیدم که چگونه فرهنگ می‌تواند تعیین کند چه کهن‌الگوهایی مورد توجه قرار گیرند و چه کهن‌الگوهایی سرکوب شوند، زیرا من زنی هستم که در قرن بیستم متولد شدم و فعالانه درگیر قرن بیست و یکم هستم که در آن زندگی به‌طرز عمیقی به‌خاطر تغییر نگرش‌های فرهنگی و جنبش‌هایی که در ایالات متحده به وقوع پیوسته، دستخوش تغییر شده است. از آنجاکه من زمانی در کالج دانشجوی تاریخ بودم و همچنین یک آمریکایی ژاپنی‌تبار هستم، این موضوعات به دیدگاه روانشناسانه من اضافه شده که خودم به آن «بینایی دوچشمی» می‌گویم. درست شبیه روش کار چشم‌های ما، هر چشم اشیاء را از زاویه اندک متفاوتی می‌بیند. مغز این دو تصویر را با هم ترکیب می‌کند و تصویری به ما ارائه می‌دهد که دارای عمق یا سه‌بعدی است. زمانی که یک فرد مانند من به هر دلیلی (اعم از نژاد، جنسیت، تحصیلات، تخصص، و مذهب) یک اقلیت باشد می‌تواند به ویژگی‌های گروه غالب از بیرون نگاه کند. من هرگز به‌طور کامل با هیچ‌یک از فضا‌هایی که در آن‌ها بودم به‌طور کامل تطبیق پیدا نکردم و همین موضوع به من درک روانشناسانه دوچشمی داد. من می‌توانم ببینم که چگونه کهن‌الگوها و کلیشه‌ها — این الگوها و روش‌های درونی بودن و رفتار کردن — همه ما را تحت تأثیر قرار می‌دهد. این آگاهی، نوشته‌های مرا تحت تأثیر قرار می‌دهد، حتی اگر مشخصاً به آن اشاره نشود.

خودآگاهی و انتخاب دو موضوع اساسی افسانه‌ها و اسطوره‌ها داستان زندگی همه انسان‌ها است. من به‌عنوان یک نویسنده و سخنران، یک قصه‌گو هستم و به‌عنوان یک روانشناس و تحلیلگر یونگی یک شنونده قصه. این نقش‌ها نیاز به رشد و توسعه مهارت تصور نمودن خود در جای دیگران دارد. بودن در جای این دختر یا پسر در حال رشد در این خانواده خاص چگونه است؟ در این زمان خاص و در این کشور با این پیشینه تاریخی؟ در دوران جنگ یا رکود اقتصادی؟ من می‌توانم تصور کنم چهار ساله بودن چگونه است؟ یا هشتاد و چهار ساله بودن؟ یا دارای جنسیت مخالف یا از نژاد، دین یا طبقه اجتماعی دیگری بودن؟ حتی در آن دسته از کتاب‌هایم که به قصه‌گویی نپرداخته‌ام، اظهارنظرهایم بر پایه داستان زندگی افرادی بوده است که می‌شناختم. وقتی کتابه‌ایم را می‌نویسم، افرادی که در دفتر مشاوره یا زندگی شخصی‌ام می‌شناسم، درست به اندازه شخصیت‌های اجتماعی یا نویسندگانی که می‌شناسم، مرا تحت‌تأثیر قرار می‌دهند و از اطلاعات آن‌ها استفاده می‌کنم. من همچنین به این موضوع فکر می‌کنم که برای افرادی که قرار است با نوشته‌های من مورد حمایت قرار بگیرند و به آن‌ها کمک شود، چه چیزی درست است. مهم است که از نیروهای درونی و بیرونی که بر ما فشار وارد می‌کنند، آگاه باشیم. در سفر قهرمانی ما نکته بسیار تعیین‌کننده‌ای وجود دارد و آن شناخت لحظات انتخاب یا لحظات حقیقت است که شخصیت ما و آنچه قرار است بشویم را تحت‌تأثیر قرار می‌دهد.

من می‌خواهم خوانندگانم در زمینه درک روانشناسانه همدلانه، به این معنا که بتوانند خود را جای دیگران بگذارند، رشد پیدا کنند. زیرا که این موضوع باعث ایجاد شفقت می‌شود، نه فقط در قبال دیگران بلکه در قبال خودمان.

همانطور که هر افسانه یا اسطوره معمولاً یک بازیگر اصلی دارد که در مواقع بحرانی تصمیم‌های اصلی را می‌گیرد زندگی ما نیز همین گونه است. در «هزار و یکشب»، شهرزاد محکوم به سرنوشتی بود که زنان پیش از او به آن دچار شده بودند. او توسط شهریار یا حاکم به‌عنوان ملکه برای یک روز انتخاب شده بود و قرار بود که در پایان آن روز اعدام شود. با این حال او هر شب با تعریف کردن یک داستان ادامه‌دار یک روز دیگر به زندگی ادامه می‌داد. او در واقع پاسخی خلاقانه برای چیزی یافته بود که دیگران آن را سرنوشت محتوم می‌دانستند. او یک شب یک شب و یک داستان یک داستان، آن قدر جریان کار را کش داد تا در نهایت شهریار تغییر کرد و زندگی‌اش نجات پیدا کرد. بعضی اوقات انسان‌ها برای شناخت خودشان یا درک این موضوع که آن‌ها نقش اصلی زندگی خودشان هستند، حتی زمانی که به‌نظر کنترل بسیار کمی بر محیط دارند، نیاز به شنیدن یک داستان دارند. در این جاست که خرد و ویکتور فرانکل را متوجه می‌شویم: فارغ از محیط (او یکی از اسرای بازداشتگاه نازی‌ها بوده است) ما همیشه در پاسخ به محیط، حق انتخاب داریم. من متوجه شدم که چگونه تخیل می‌تواند چیزی را در درون ما زنده نگاه دارد و راه‌حل‌های خلاقانه پیش پای ما بگذارد، در حالی که دیگران از آن استقبال نمی‌کردند من متوجه شدم که یک زندگی درونی غنی، یک تخیل خلاقانه و یا زندگی کردن در رویا می‌تواند جبران یک زندگی بیرونی بی‌حاصل باشد و در عین حال ما را برای روزی که در آن زندگی درونی و بیرونی بازتاب خواسته‌های حقیقی ما باشد آماده کند. من می‌دانم چگونه فکر انسان‌ها بر درک آن‌ها از خودشان و دیگران تأثیر می‌گذارد که در ادامه بر روی احساسات و عملکردشان نیز تأثیرگذار خواهد بود. این آرزویی است که من در مورد کتاب‌هایم دارم. خوانندگانم به کرات به من گفته‌اند: «چیزی که شما نوشته‌اید

زندگی ما را تغییر داد». این حرف همیشه برای من دلگرم‌کننده بوده است. در حالی که می‌دانم این، آن داستان یا مثال، اسطوره، عبارت شاعرانه یا تصویر بوده است که من خوانده، شنیده یا دیده‌ام و ابتدا مرا تحت‌تأثیر قرار داده و بعد در نوشته‌هایم خود را نشان داده که اکنون این افراد را به آگاهی، پند یک داستان یا معنایی که می‌تواند برای آن‌ها داشته باشد رهنمون می‌شود این تمام نیت من است.

من یک پیرو مقوله‌ی همزمانی کتاب هستم. همزمانی لغتی است که کارل گوستاو یونگ برای «تصادفات معنادار» ابداع کرد؛ ارتباطات عجیبی که بین چیزهای مهم درون یک فرد و یک ملاقات یا حادثه‌ی بیرونی وجود دارد. همانگونه که شرقی‌ها می‌گویند: «وقتی شاگرد آماده باشد، استاد خود خواهد آمد.» همزمانی کتاب اسبابی غیرعلی است که از طریق آن یک کتاب به‌دست خواننده‌ای می‌رسد که واقعاً به دنبال آن بوده است.

با عشق و آرزوی بهترین‌ها، ۲۴ سپتامبر ۲۰۱۴



تقدیم به مادرم دکتر مگومی یا ماگوجی شینودا

کسی که مصمم بود به من کمک کند تا رشد کنم و احساس می‌کرد من خوش‌شانس بوده‌ام که دختر به دنیا آمده‌ام و می‌توانم به‌عنوان یک زن به هر چیزی که آرزو دارم دست یابم؛ حمایتی که خودش هرگز نداشت...

از دانه، ابتدا ریشه و سپس جوانه رشد می‌کند؛ از جوانه برگ‌ها و از برگ‌ها ساقه رشد می‌کند؛ از اطراف ساقه شاخه‌ها و در نهایت گل به‌وجود می‌آید... نمی‌توان گفت دانه باعث رشد می‌شود یا خاک. فقط می‌توانیم بگوییم قابلیت رشد درون دانه و نیروی رازآلود حیات پنهان شده است که زمانی که به‌طور شایسته پرورش یابد، به شکل حقیقی خود دست پیدا می‌کند.

دکتر ژان شینودا بولن



■ مقدمه نسخه بیستمین سالگرد چاپ

انتشار نسخه بیستمین سالگرد چاپ کتاب «انواع زنان» را باید جشن گرفت. این کتابی بود که ایده «کهن‌الگوهای زنان» را معرفی کرد و در میان کتاب‌های روانشناسی پرفروش شد. نسخه بیستمین سالگرد چاپ این کتاب فرصتی برای آشنایی نسل جدیدی از زنان با کهن‌الگوهای شخصی‌شان و انرژی، معنا و قدرتی است که این کهن‌الگوها برای ما به ارمغان می‌آورند. همچنین این کتاب ابزاری برای مردان شهودی است تا زنانگی درون خود و همچنین زنان مهم زندگی خود را درک کنند.

باعث تعجب من بود زمانی که این کتاب به‌عنوان اثرگذارترین کتاب بر جنبش معنوی زنان معرفی شد. من بر پایه اسطوره‌های یونان باستان و ناخودآگاه جمعی که کارل گوستاو یونگ آن را مطرح کرده است، کهن‌الگوها را به‌عنوان الگوهای روانشناختی و صور نمادین معرفی کردم؛ مفهومی قدرتمند که از لحاظ معنوی به دل مخاطبانش نشست.

زنانی که به سمت اسطوره‌ی خاصی جلب می‌شوند، درمی‌یابند که این کهن‌الگو زندگی رویایی آن‌ها را تصویر می‌کند و تخیل آن‌ها را به پرواز درمی‌آورد. اسطوره‌ها گه‌گاه در رویاها به‌شکل اسرارآمیز و عجیب ظاهر می‌شوند. این کتاب به زنان اجازه داد تا نمادهای شخصی و اجزای خاص روان خود را با معنای زیبای کهن‌الگوها بهتر درک کنند. زنان شروع به معنا کردن معنویت برای خودشان کردند؛ تعریفی منطقی از روح که به جنبش زنان شخصیت خاصی بخشید. صور نمادین و مفاهیم اسطوره‌ای که در اعماق ناخودآگاه جمعی جای دارند در سطح خودآگاه پدیدار شدند. توده زنان جنبش معنویت، حرکت خود را همزمان با آشنایی با اسطوره‌ها در قالب کهن‌الگوها و تاریخ باستان و همچنین ارتباط با «مادر زمین» آغاز کردند.

کتاب انواع زنان همچنین الهام‌بخش کارهای خلاقانه شده‌است. من درباره اشعار، مجسمه‌ها، موسیقی، نقاشی‌ها، نوشته‌ها و نمایشنامه‌هایی شنیده‌ام که از این کتاب الهام گرفته‌اند. هیچ‌کدام از این‌ها برای من قابل پیش‌بینی نبود؛ اما زمانی که عصاره خلاقیت با احساسات، رویاها و تصاویر عمیق درون روان ترکیب می‌شود، می‌تواند الهام‌بخش یک هنرمند، موسیقی‌دان و نویسنده برای خلق یک اثر هنری باشد. من شاهد ظهور انرژی‌های کهن‌الگویی زنان هستم. برجسته‌ترین نمونه میدان تیانانمن در چین است که دانشجویان در آن مجسمه‌ی عظیم «الهه‌ی آزادی» را برپا کرده‌اند. در غرب ظهور کهن‌الگوهای زنان در هنر بیشتر جنبه فردی داشته تا سیاسی.

انتشار کتاب انواع زنان منجر به چاپ انواع مردان در پنج سال بعد از آن شد که در آن من از اسطوره‌های یونان باستان برای تشریح کهن‌الگوهای مردانه استفاده نمودم. نوشتن کتاب انواع زنان

در میانسالی: کهن‌الگوها در زنان بالای پنجاه سال آن قدر به تعویق افتاد تا خودم به اندازه‌ی کافی سنم بالا برود. سفر شخصی‌ام که در کتاب عبور از آوالون: سفر مقدس میانسالی زنان از آن سخن گفته‌ام نیز همزمان با کتاب انواع مردان آغاز شد. هویت و شهرت حرف‌های من به‌عنوان یک روانکاو یونگی هم‌چنان ادامه دارد؛ اما موفقیت این کتاب مسیر زندگی مرا تغییر داد.

این کتاب می‌تواند برای شما یک تجربه فوق‌العاده باشد؛ چرا که شناخت کهن‌الگوها موضوعاتی را درباره خودتان برای شما آشکار می‌کند که پیش از این هرگز از آنها اطلاع نداشتید. شما می‌فهمید که آنچه حقیقتاً برای شما مهم است، متفاوت با آن چیزی است که شما برای خوش‌آمد دیگران انجام می‌دهید. شما می‌توانید خود را به خاطر آنکه نتوانسته‌اید به آنچه که خانواده‌تان از شما انتظار داشته است برسید، ببخشید. شما می‌فهمید که باید به احترام کهن‌الگویی که درون شماست و تا به حال به آن بی‌اعتنایی می‌کردید، بایستید. شما با بخش تاریک کهن‌الگوها آشنا می‌شوید و آماده تغییر بخش نه‌چندان زیبای خودتان می‌شوید. زمانی که من انواع زنان را می‌نوشتم، امیدوار بودم که خوانندگان این بینش روانشناختی را دریافت کنند. بیست سال بعد، فهمیدم که کهن‌الگوها آنچه بخواهند را انجام می‌دهند.

دکتر ژان شینودا بولن، کالیفرنیا، ۲۰۰۴



■ درون هر زن اسطوره‌هایی حضور دارد

هر زن نقش اصلی را در داستان زندگی پیچیده خود دارد. من به‌عنوان یک روان‌درمانگر، تاکنون صدها داستان زندگی شخصی شنیده‌ام و فهمیده‌ام که در هر انسانی جنبه‌های اسطوره‌ای حضور دارد. برخی زنان زمانی به سراغ روان‌درمانگر می‌آیند که روحیه خود را از دست داده‌اند و نمی‌توانند درست عمل کنند. برخی دیگر زمانی می‌آیند که با هوشمندی دریافته‌اند که در موقعیتی گیر افتاده‌اند که نیاز به درک و تغییر آن دارند. در موارد دیگر، به نظر من زنان به دنبال کمک یک درمانگر هستند تا یاد بگیرند چگونه قهرمان بهتری برای داستان زندگی‌شان باشند. به این منظور، زنان باید انتخاب‌های آگاهانه‌ای انجام دهند تا زندگی خود را شکل دهند. به محض آن که زنان عادت به ناآگاهی در برابر اثرات قدرتمند کلیشه‌های فرهنگی بر روی خودشان می‌کنند، در برابر نیروهای قدرتمندی درونی‌شان که بر روی کارها و احساسات‌شان تأثیرگذار است نیز ناآگاه می‌شوند. این نیروها همانی است که من

در این کتاب در قالب اسطوره‌های یونانی به معرفی آن‌ها می‌پردازم. کهن‌الگوهای قدرتمند درونی (یا کهن‌الگوها) عامل اصلی تفاوت‌های بین زنان هستند. برای مثال برخی از زنان برای دستیابی به احساس رضایت نیاز به ازدواج و فرزند دارند و زمانی که هدفشان و رای دسترس آن‌ها باشد غمگین و عصبانی می‌شوند. برای این زنان، نقش‌های سنتی معنادار و محترم است. این زنان مشخصاً با زنانی که به استقلال شخصی‌شان اهمیت می‌دهند، تفاوت‌های اساسی دارند. یا زنانی که به دنبال تجربه‌های جدید هستند و از یک فعالیت خلاقانه به سراغ بعدی می‌روند. در عین حال، گروه دیگری از زنان به دنبال خلوت هستند و معنویت برایشان از هر چیز دیگری مهم‌تر است. چیزی که برای یک زن رضایت‌بخش است، ممکن است برای دیگری کاملاً بی‌معنا باشد و این بستگی به اسطوره‌ای دارد که درون هر زن فعال است. علاوه بر این، در یک زن، اسطوره‌های متعددی حضور دارند. هر چه زن پیچیده‌تر باشد، نشانه‌ی آن است که اسطوره‌های بیشتری در درون او فعال هستند. و آنچه برای یک بخش از وجود او رضایت‌بخش است، ممکن است برای بخش دیگر وجودش کاملاً بی‌معنا باشد. شناخت و آشنایی با «اسطوره‌های زنان» ابزاری در اختیار زن قرار می‌دهد که به کمک آن می‌تواند خودش و روابطش با مردان، زنان، والدین و فرزندان را بهتر درک کند. این الگوهای اسطوره‌ای همچنین بینشی در این زمینه ارائه می‌دهد که چه چیز برای برخی زنان انگیزه‌بخش (حتی وسواس‌گونه)، ناامیدکننده یا رضایت‌بخش است و برای عده‌ای دیگر این‌گونه نیست.

آشنایی با «اسطوره‌های زنان» اطلاعات مفیدی را در اختیار مردان نیز قرار می‌دهد. مردانی که می‌خواهند زنان را بهتر بشناسند می‌توانند از این الگوهای اسطوره‌ای برای فهم این موضوع استفاده کنند که

انواع مختلفی از زنان وجود دارند که باید انتظارات متفاوتی از آنها داشت. این دانش همچنین به مردان کمک می‌کند تا زنان پیچیده یا آن‌هایی که متناقض به نظر می‌آیند را بهتر درک کنند.

دانش «اسطوره‌های زنان» همچنین بینش درمانی مفیدی در اختیار درمانگرانی که با زنان کار می‌کنند قرار می‌دهد که به آنها در شناخت و حل تعارض‌های درونی و رابطه‌ای مراجعانش کمک می‌کند. الگوهای اسطوره‌ای دلیل موجهی برای تفاوت‌های شخصیتی است و اطلاعاتی درباره مشکلات روان‌شناختی بالقوه و علائم بیماری‌های روان - تنی ارائه می‌دهد. و مسیری که یک زن از طریق آن می‌تواند در راستای الگوی یک اسطوره رشد کند را نشان می‌دهد.

این کتاب دیدگاه جدیدی در ارتباط با روان‌شناسی زنان را تشریح می‌کند که بر پایه‌ی تصویری از زنان (در اسطوره‌های یونان) استوار است که بیش از سه هزار سال است که در تخیل بشریت حضور داشته است. این روان‌شناسی زنان، با تمام نظریه‌هایی که زن «سالم» را زنی می‌داند که در قالب یک الگوی شخصیتی یا ساختار روان‌شناسی «درست» بگنجد، تفاوت دارد. این نظریه بر پایه گوناگونی معیارهای سالم در میان زنان بنا شده است.

بخش اعظمی از آنچه که من درباره‌ی زنان آموخته‌ام از طریق شغلم به‌عنوان روان‌تحلیل‌گر یونگی، آموزش و راهنمایی دانشجویان به‌عنوان استاد روانپزشکی دانشگاه کالیفرنیا و تحلیل‌گر سرپرست در موسسه‌ی سی. جی. یونگ در سانفرانسیسکو بوده است. اما آنچه من از روان‌شناسی زنان در این صفحات گرد آورده‌ام فراتر از تجربه‌ی حرفه‌ای من بوده است. بیشتر آنچه می‌دانم از بودن به‌عنوان یک زن در نقش‌های زنانه می‌آید؛ از دختر بودن، همسر بودن و مادر یک دختر و پسر بودن. دانش من همچنین از گفت‌وگو با دوستانم و زنان حاضر گروه‌های زنانه رشد پیدا کرده است.

هر دوی این‌ها موقعیت‌هایی است که در آن زنان جنبه‌های مختلف وجود خود را مانند آئینه به هم نشان می‌دهند؛ ما خودمان را می‌بینیم که در تجربیات یک زن دیگر منعکس شده‌ایم و از بخش‌هایی از وجود خود آگاه می‌شویم که پیش از آن آگاه نبودیم و یا چیزهایی که همه به‌عنوان زن در آن‌ها شریک هستیم. دانش من درباره روان‌شناسی زنان، همچنین از تجربه من به‌عنوان یک زن در این برهه از تاریخ نشأت می‌گیرد. در سال ۱۹۶۳ من شروع به گذراندن دوره تخصص روانپزشکی کردم. دو اتفاق در همین سال منجر به شکل‌گیری جنبش زنان در دهه ۱۹۷۰ گردید. نخست، بتی فریران کتاب راز زنانگی را منتشر کرد که در آن به بحث درباره خلأ و نارضایتی روحی روانی نسلی از زنان پرداخته بود که برای دیگران زندگی می‌کردند. فریران منشأ این نارضایتی را بحران هویتی معرفی کرد که ریشه آن جلوگیری یا اجتناب از رشد شخصیتی است. او ادامه می‌دهد که این مسئله توسط فرهنگ غربی پرورش داده می‌شود و این فرهنگ به زنان اجازه نمی‌دهد نیاز اولیه‌ی خود را به رشد و شکوفایی توانایی‌های بالقوه خود، به رسمیت بشناسند. این کتاب با افشاگری‌های خود در مورد فرهنگ غربی، عقاید تعصب‌آمیز فرویدی و استفاده ابزاری از زنان در رسانه‌ها، اندیشه‌ای ارائه کرد که منجر به برون‌ریزی خشم سرکوب‌شده و پیدایش جنبش آزادی زنان در غرب شد. در همان سال ۱۹۶۳، معاون رئیس‌جمهور جان اف. کندی در امور زنان گزارشی را منتشر کرد که در آن به بی‌عدالتی در سیستم اقتصادی ایالات متحده پرداخته شده بود. زنان به نسبت مردان در یک جایگاه شغلی یکسان، دستمزد کمتری دریافت می‌کردند و در زمینه فرصت‌های استخدامی و ترفیع شغلی، مورد توجه قرار نمی‌گرفتند. این ناعدالتی آشکار بعدها شاهدی بر بی‌ارزش

انگاشتن و محدودیت نقش‌های زنان شد. در نتیجه من زمانی وارد حیطه‌ی روانپزشکی شدم که ایالات متحده در آستانه‌ی جنبش زنان قرار داشت و آگاهی من در طول دهه ۷۰ نیز در این زمینه افزایش پیدا کرد. من متوجه نابرابری و تبعیض علیه زنان در غرب شدم و فهمیدم که استانداردهای فرهنگی که توسط مردان تعیین شده است، زنان را به‌خاطر چسبیدن یا دفع کردن نقش‌های کلیشه‌ای، تشویق یا تنبیه می‌کند.

دیدگاه دوبعدی نسبت به روان‌شناسی زنان

در همان زمان که من طرفدار حقوق زنان شده بودم، به یک روان‌کاو یونگی نیز تبدیل شدم. من در سال ۱۹۶۶ پس از اتمام دوره تخصص روانپزشکی، به‌عنوان داوطلب وارد یک دوره‌ی آموزشی در موسسه‌ی سی. جی. یونگ در سان‌فرانسیسکو شدم و در سال ۱۹۷۶ به‌عنوان روان‌کاو از آن مرکز فارغ‌التحصیل شدم. دیدگاه من نسبت به روان‌شناسی زنان در این باره زمانی با ترکیبی از بینش جنبش زنان و روان‌شناسی کهن‌الگویی یونگی، در حال رشد بود. این‌گونه به‌نظر می‌رسد که من همان‌طور که بین روان‌کاوان یونگی و روانپزشکان طرفدار حقوق زنان در حال رفت و برگشت بودم، پلی بین این دو دنیا زده‌ام. همکاران یونگی من چندان خود را درگیر آنچه در اجتماع و عالم سیاست در جریان بود، نمی‌کردند. به نظر می‌رسید اطلاعات بسیار محدود و مبهمی درباره‌ی جنبش زنان داشتند. دوستان روانپزشک طرفدار حقوق زنان من نیز، اگر هم می‌دانستند که من یک روان‌کاو یونگی هستم، بیشتر به این موضوع به‌عنوان یک علاقه مشکوک یا اسرارآمیز من یا یک فوق‌برنامه قابل احترام می‌نگریستند که ارتباط چندانی با موضوع

زنان ندارد. در خلال این رفت و آمد، زمانی که توانستم این دو دیدگاه — یونگی و طرفدار حقوق زنان — را با هم دربیامیزم، به کشف عمق جدیدی از ادراک نائل آمدم. این دو دیدگاه، بینش دوبعدی در زمینه روان‌شناسی زنان به من داد.

دیدگاه یونگی من را از این موضوع آگاه کرد که زنان تحت تأثیر نیروهای قدرتمند درونی یا کهن‌الگوها هستند که می‌توان در قالب اسطوره‌های یونان باستان به آن‌ها شخصیت بخشید. دیدگاه جنبش زنان مرا به این درک رساند که چگونه نیروهای بیرونی یا تصورات کلیشه‌ای — نقش‌هایی که جامعه از زنان انتظار دارد برطبق آن عمل کنند — برخی از این اسطوره‌ها را تقویت و برخی دیگر را سرکوب می‌کند. در نتیجه من هر زن را «نه این طرفی نه آن طرفی» می‌بینم که از درون توسط کهن‌الگوهای زنانه و از بیرون توسط کلیشه‌های فرهنگی هدایت می‌شود.

زمانی که یک زن از نیروهایی که او را تحت تأثیر قرار می‌دهند آگاه می‌شوند، قدرتی به دست می‌آورد که زاییده دانش است. «اسطوره‌ها» نیروهای نامرئی و قدرتمندی هستند که رفتارها را شکل می‌دهند و عواطف را تحت تأثیر قرار می‌دهند. شناخت «اسطوره‌ها»ی حاضر در وجود زن، قلمرو جدیدی است که آگاهی درباره زنان را ارتقا می‌بخشد. زمانی که یک زن متوجه می‌شود کدام «اسطوره‌ها» قدرت اصلی را در درون او در اختیار دارند، آگاهی خاصی درباره غرایز اصلی، اولویت‌ها، توانایی‌ها و امکان یافتن معنا در میان انتخاب‌های مختلفی که دیگران شاید جرات آن‌ها را ندارند، به دست می‌آورد.

الگوهای اسطوره‌ای روابط با مردان را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد. این الگوها برخی از مشکلات و وابستگی‌هایی که زنان خاصی با مردان خاصی در زندگی‌شان دارند، توضیح می‌دهد. آیا زنان مردان

▼ یادداشت‌ها

This bibliography is divided into four sections: 1, Mythology; 2, Archetypal Psychology (Jungian Analytical Psychology); 3, Psychology of Women (other than Jungian); and 4, General Psychology (relevant to this book).

1. MYTHOLOGY

Bullfinch's Mythology. Middlesex, England: Hamlyn, 1964.

Bullfinch's Mythology: The Greek and Roman Fables Illustrated. Compiled by Bryan Holme, with an Introduction by Joseph Campbell. New York: Viking Press, 1979.

Callimachus. "To Artemis." In Hymns and Epigrams. Translated by A. W. Mair.

Cambridge, Mass.: Harvard University Press, 1969.

Campbell, Joseph. The Hero with a Thousand Faces. 2nd ed. Bollingen Series 17.

Princeton, N.J.: Princeton University Press, 1968.

Campbell, Joseph. "Joseph Campbell on the Great Goddess." Parabola 5, no. 4(1980).

Evslin, Bernard. "Atalanta." In Heroes, Gods and Monsters of the Greek Myths. New York: Bantam Pathfinder, published by arrangement with Scholastic Magazine, 1975. (Originally published 1966.)

Friedrich, Paul. The Meaning of Aphrodite. Chicago: University of Chicago Press, 1978.

Garnell, L. R. [Lewis Richard]. The Cults of the Greek States. New

Rochelle, N.Y.:

Caratzas Brothers, 1977. vol. 1, chaps. 7 ,8 ,9 (Hera); vol. 1, chaps. ,10
11 ,12

(Athena); vol. 2, chaps. 13 ,17 ,18 (Artemis); vol. 2, chaps. 21 ,22 ,23
(Aphrodite); vol. 3, chaps. 2 ,3 ,4 (Demeter-Kore); vol. 5, chaps. 8
(Hestia). (Originally written between 1895 and 1909.)

Gimbutas, Marija. *The Goddesses and Gods of Old Europe: 6500 –
3500, Myths and Cult Images*. Berkeley and Los Angeles: University of
California Press, 1982.

Graves, Robert. *The Greek Myths*. 2 vols. New York: Penguin, 1979,
1982. (Originally published 1955.)

Graves, Robert. *The White Goddess*. New York: Farrar, Straus & Giroux,
1980. (Originally published 1948.)

Guthrie, W. K. C. *The Greeks and Their Gods*. Boston: Beacon Press,
1950.

Hadas, Moses, ed. *Greek Drama*. New York: Bantam, 1982. (Originally
published 1965.)

Hamilton, Edith. *Mythology*. Boston: Little, Brown, 1942.

Harrison, Jane Ellen. *Mythology*. New York: Harcourt Brace Jovanovich,
1963. (Originally published 1924.)

Hesiod. *Theogony*. In *Hesiod*, translated by Richard Lattimore. Ann
Arbor, Michigan: The University of Michigan Press, 1959.

Homer. *The Iliad*. Translated by Richard Lattimore. Chicago: University
of Chicago Press, 1951.

The Homeric Hymns. Translated by Charles Boer. Irving, Texas: Spring,
1979.

James, E. O. [Edwin Oliver]. *The Cult of the Mother Goddess*. London,
England: Thames & Hudson, 1959.

Kerényi, C. *The Heroes of the Greeks*. London: Thames & Hudson,
1959.

Kerényi, C. *The Gods of the Greeks*. Translated by Norman Cameron.
New York: Thames & Hudson, 1979. (Originally published 1951.)

Kerényi, Karl. *Athene: Virgin and Mother*. Translated by Murray Stein.
Zurich, Switzerland: Spring, 1978.

Kerényi, Karl. *Goddesses of the Sun and Moon*. Translated by Murray
Stein. Irving, Texas: Spring, 1979.

Mayerson, Philip. *Classical Mythology in Literature, Art, and Music*. New
York: Wiley, 1979.

Monaghan, Patricia. *The Book of Goddesses and Heroines*. New York:
Dutton, 1981.

Otto, Walter F. *The Homeric Gods*. New York: Thames & Hudson, 1979.
(Originally published 1954.)

Spretnak, Charlene. *Lost Goddesses of Early Greece: A Collection*

of Pre-Hellenic Mythology Boston: Beacon Press, 1981. (Originally published 1978.)

Walker, Barbara G. *The Woman's Encyclopedia of Myths and Secrets*. San Francisco: Harper & Row, 1983.

Zimmerman, J. E. *Dictionary of Classical Mythology*. New York: Bantam Books, 1978. (Originally published 1964.)

2. ARCHETYPAL PSYCHOLOGY (JUNGIAN ANALYTICAL PSYCHOLOGY)

Berry, Patricia. "The Rape of Demeter/Persephone and Neurosis." *Spring* (1975).

Bradway, Katherine. "Hestia and Athena in the Analysis of Women." *Inward Light* 41, no. 91(1978).

Claremont de Castillejo, Irene. *Knowing Woman*. New York: Putnam's Sons, 1973.

Published for the C. G. Jung Foundation for Analytic Psychology.
Goddesses in Everywoman

Demetrakopoulos, Stephanie A. "Hestia, Goddess of the Hearth: Notes on an Oppressed Archetype." *Spring* (1979).

Demetrakopoulos, Stephanie A. "Life Stage Theory, Gerontological Research, and the Mythology of the Older Woman: Independence, Autonomy, and Strength." *Anima* 8, no. 2(1982).

Downing, Christine. "Persephone in Hades." *Anima* 4, no. 1(1977).

(Downing, Christine. "Coming to Terms with Hera. *Quadrant* 12, no. 2(1979).

Downing, Christine. *Goddess Mythological Images of the Feminine*. New York: Crossroad, 1981.

Downing, Christine. "Goddess Sent Madness." *Psychological Perspectives* 12, no. 2(1981).

Downing, Christine. "Come Celebrate with Me." *Anima* 9, no. 1(1982).

Elias-Button, Karen. "Athena and Medusa: A Woman's Myth." *Anima* 5, no. 2(1979).

Goldenberg, Naomi R. "Archetypal Theory after Jung." *Spring* (1975).

Hall, Nor. *The Moon and the Virgin: Reflections on the Archetypal Feminine*. New York: Harper & Row, 1980.

Harding, M. Esther. *The Way of All Women*. New York: Putman's, 1973. Published for the C. G. Jung Foundation for Analytical Psychology.

Harding, M. Esther. *Woman's Mysteries: Ancient and Modern*. New York: Bantam, 1973. (Originally published 1971.)

Harding, M. Esther. "The Value and Meaning of Depression." *Psychological Perspectives* 12, no. 2(1981).

Heisler, Verda. "Individuation through Marriage." *Psychological Perspectives* 1, no. 2(1970).

Hillman, James. "Anima." Spring (1973).
 Hillman, James. "Anima II." Spring (1974).
 Hillman, James. *The Dream and the Underworld*. New York: Harper & Row, 1979.
 Hillman, James. "Ananke and Athene." In *Facing the Gods*, edited by James Hillman. Irving, Texas: Spring, 1980.
 Hillman, James, ed. *Facing the Gods*. Irving, Texas: Spring, 1980.
 Johnson, Robert. *She: Understanding Feminine Psychology*. New York: Harper & Row, 1977. (Originally published 1976.)
 Jung, Emma. *Animus and Anima*. New York: Spring, 1969. (Originally published 1957.)
 Jung, C. G. All references to Jung's *Collected Works* are taken from *Collected Works of C. G. Jung*, edited by Sir Herbert Read, Michael Fordham, and Gerald Adler; translated by R. F. C. Hull, Executive Editor, William McGuire, Bollingen Series 20, (Princeton, N.J.: Princeton University Press).
 Jung, C. G. *The Practice of Psychotherapy*. In *Collected Works of C. G. Jung*, vol. 16. 1966.
 Jung, C. G. *Two Essays on Analytic Psychology*. In *Collected Works of C. G. Jung*, vol. 7. 1966.
 Jung, C. G. *Alchemical Studies*. In *Collected Works of C. G. Jung*, vol. 13. 1967.

Bibliography

Jung, C. G. *Archetypes of the Collective Unconscious*. In *Collective Works of C. G. Jung*, vol. 9, part 1. 1968.
 Jung, C. G. *Psychological Types*. In *Collected Works of C. G. Jung*, vol. 6. 1971.
 Jung, C. G., and Kerényi, C. *Essays on a Science of Mythology: The Myths of the Divine Child and the Divine Maiden*. Translated by R. F. C. Hull. Bollingen Series 22. New York: Harper & Row, 1963. (Originally published 1949.)
 Kerényi, C. *Zeus and Hera: Archetypal Image of Father, Husband and Wife* Bollingen Series 65. Princeton, N.J.: Princeton University Press, 1975.
 Kerényi, C. *Eleusis: Archetypal Image of Mother and Daughter*. New York: Schocken, 1977. (Originally published 1967.)
 Kerényi, Karl. "A Mythological Image of Childhood: Artemis." In *Facing the Gods*, edited by James Hillman. Irving, Texas: Spring, 1980.
 Kirksey, Barbara. "Hestia: A Background of Psychological Focusing." In *Facing the Gods*, edited by James Hillman. Irving, Texas: Spring, 1980.
 Koltuv, Barbara Black. "Hestia/Vesta." *Quadrant* 10, no. 2 (1977).
 Kotschnig, Elined Prys. "Womanhood in Myth and Life." *Inward Light* 31, no. 74 (1968).

Kotschnig, Elined Prys. "Womanhood in Myth and Life, Part 2." *Inward Light* 32, no. 75 (1969).

(Laub-Novak, Karen. "Reflections on Art and Mysticism." *Anima* 2, no. 2 (1976).

Leonard, Linda Schierse. *The Wounded Woman. Healing the Father-Daughter Relationship* Boulder, Colo.: Shambhala Publications, 1983. (Originally published 1981.)

Lockhart, Russell A. "Eros in Language, Myth, and Dream." *Quadrant* 11, no. 1 (1978).

Loomis, Mary. "A New Perspective for Jung's Typology: The Singer-Loomis Inventory of Personality." *Journal of Analytical Psychology* 27, no. 1 (1982).

Loomis, Mary, and Singer, June. "Testing the Bipolarity Assumption in Jung's Typology." *Journal of Analytical Psychology* 25, no. 4 (1980).

Luke, Helen M. "The Perennial Feminine." *Parabola* 5, no. 4 (1978).

Luke, Helen M. *Woman, Earth and Spirit*. New York: Crossroad, 1981.

Malamud, René. "The Amazon Problem." *Spring* (1971).

Mattoon, Mary Ann. *Jungian Psychology in Perspective*. New York: Free Press/Macmillan, 1981.

Moore, Tom. "Artemis and the Puer." In *Puer Papers*. Irving, Texas: Spring, 1979.

Neumann, Erich. *The Great Mother: An Analysis of the Archetype*. Translated by Ralph Manheim. London: Routledge & Kegan Paul, 1955.

Neumann, Erich. *Amor and Psyche: The Psychic Development of the Feminine*. Translated by Ralph Manheim. Bollingen Series 54. New York: Pantheon Books, 1956.

Goddesses in Everywoman

Neumann, Erich. "The Psychological Stages of Feminine Development." *Spring* (1959).

Perera, Sylvia Brinton. *Descent to the Goddess: A Way of Initiation for Women*. Toronto: Inner City Books, 1981.

Rupprecht, Carol. "The Martial Maid and the Challenge of Androgyny (Notes on an Unbefriended Archetype)." *Spring* (1974).

Schmidt, Lynda. "The Brother-Sister Relationship in Marriage." *Journal of Analytical Psychology* 25, no. 1 (1980).

Singer, June. *Androgyny*. New York: Doubleday, 1976.

Singer, June. "Rise of the Androgyny Phenomena." *Anima* 3, no. 2 (1977).

Spretnak, Charlene. "Problems with Jungian Uses of Greek Goddess Mythology." *Anima* 6, no. 1 (1979).

Stein, Murray. "Hera: Bound and Unbound." *Spring* (1977).

Stein, Murray. "Translator's Afterthoughts." In *Karl Kerényi, Athene: Virgin and Mother*. Translated by Murray Stein. Zurich: Spring, 1978.